

خدمت به والدین و رسیدن به درجات عالی معنوی

فرزندان صالح به بهشت می‌روند



■ حجت‌الاسلام علیرضا فرهنگ*

یکی از اعتقادات بحق شیعه این است که انسان بعد از مرگ زندگی جدیدی را شروع می‌کند و تمام اعمال و رفتار انسان در دنیا و در کیفیت زندگی آخرت مؤثر است. در واقع زندگی دنیا پلی برای رسیدن به سرای دیگر است. اگر انسان اعمالش صالح باشد، زندگی او در آخرت یک زندگی صالح، طیب و آرام‌بخشی است، اما اگر خدایی ناکرده انسان از مسیر بندگی و انسانیت خارج شد، در سرای دیگر زندگی پرمشقت و سختی را باید تجربه کند. با مرگ آدمی، پرونده او بسته می‌شود، اما برای بعضی این پرونده باز می‌ماند و در زندگی آخرتش اثر می‌گذارد. از این رو می‌شود برای انسانی که از دنیا رفته خیرات و اعمال شایسته فرستاد تا زندگی او و آخرت او مورد توجه خدا قرار گیرد. اگر فرزندان، پدر و مادرها در حق یکدیگر ظلم یا کوتاهی کرده باشند، در صحرای قیامت از هم فرار می‌کنند تا از مؤاخذه یکدیگر دوری کنند، اما قیامت جای فراری برای انسان باقی نمی‌گذارد. اگر انسان حقوق مادر و پسر را رعایت کرده باشد، حتما در قیامت می‌تواند با پسر و مادر در کنار هم باشند یا به هم کمک کنند. امید است نسبت به وظایف خود کوتاهی نکنیم تا از اتفاقات قیامت که پدر و مادر و فرزندان را از هم فاصله می‌اندازد، در امان باشیم.

■ خدمت و رسیدن به درجات عالی معنوی

گاهی اوقات افراد دنبال راهی برای رسیدن به درجات بالای معنوی هستند. از این رو دنبال استاد یا برنامه‌هایی می‌روند که آنان را به مقصد برساند. باید از راهای مختلف استفاده کرد، اما باید از این ظرفیت که همه ظرفیت‌ها را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد و همه راهها پر مجموعه آن است، غفلت نکنیم و آن راه خدمت به پدر و مادر است. اگر کسی توفیق شب‌زنده‌داری یا دستگیری از نیازمندان یا کار دینی دیگری دارد، اما نسبت به پدر و مادر غافل باشد، اعمال دیگری او مورد قبول درگاه حق تعالی نیست. امام چواردع) می‌فرماید: هر کس چهار چیز داشته باشد، خداوند او را در بالاترین مقام‌ها و شریف‌ترین مکان‌ها جای می‌دهد. همچون کسانی که یتیمان را جای دهند و با آنها مانند پدر رفتار کنند. با افرادی که به پدر و مادر خود برسند و زندگی آنها را تأمین و به آنها نیکی کنند و مویحیات حزن و اندوه آنها را فراهم‌نمایند. همچنین با پیامبران از این درجات عالی قیامت است. روزی حضرت موسی(ع) در ضمن مناجات به پروردگار خود عرض کرد: خدایا می‌خواهم ببینم همچنین ساره(س) نگهداری می‌کنند.

سبک رفتار

انتقادپذیری، شرط اصلی رشد و تکامل

انتقاد سازنده کنیم نه سخنرانی!

■ مهرنوش محمدی

بی‌تردید همه افراد باید انتقادپذیر باشند، اما روی سخن با کسانی است که در مقام تعلیم‌دهنده هستند و می‌توانند مربی باشند. اعم از پدر، مادر، آموزگار، دبیر و حتی مدرس دانشگاه و... و البته این یعنی شامل حال همه افراد می‌شود. چون هر کس در هر مقطعی ممکن است در یکی از جایگاه‌های نامبرده قرار گیرد. البته در آموزش و پرورش، انتقادپذیری فرد تعلیم‌دهنده باعث رشد و پیشرفت و بهبود عملکرد مربی در امر تدریس شده و همین باعث پیشرفت دانش‌آموزان و رشد و تعالی افراد و بالارفتن سطح فرهنگ و دانش افراد جامعه می‌شود. هر فردی که مورد انتقاد قرار می‌گیرد یا به کارگیری هوشمندانه و به دور از تعصب و احساس می‌تواند به اصلاح دانش، نگرش و مهارت‌های خود اقدام کند. بهتر است با توجه به سطح فهم و دانش مخاطب، انتقاد را بیان کنیم تا بساری مخاطب قابل درک باشد. فن امر بستگی به این دارد که از کودکی، پدر و مادر با بردباری و صبوری خود به تعلیم و تربیت بپردازند و از انتقاد طرف مقابل (پسر در مقابل مادر و بالعکس) نهراسند و پذیرای آن باشند و شخص انتقادکننده نیز باید بدون سوبرداشتن شخص، حسن نیت مقابل را جلب کند و از این راه، هم خود به نتیجه مطلوب می‌رسند و هم کودکانی که در چنین

سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۶۹۸۴۷۱

د

سنجش و امتحان انسان در این است که اگر پدر و مادری برخلاف نظر او نظری دادند و آن دستور خلاف نبود! اینجا باید دید ایمان انسان چقدر قوی است. اینجا باید دید نماز او توانسته است او را در مقابل پدر و مادر متواضع کند یا نه. اینجا شیعه واقعی از غیر واقعی مشخص می‌شود.

و جایگاه‌همنشین حضرت موسی‌کند. حضرت موسی(ع) فرمودند: ای جوان! بشارت می‌دهم به تو که خداوند دعای او را در بارهات مستجاب گردانیده، جبرئیل به من خبر داد که در بهشت، تو همنشین من هستی.

■ احترام به پدر و مادر، نشانه شیعه واقعی

بعضی مؤمنان ادعای مسلمانی و مؤمن بودن را با خود یدک می‌کنند، اما متأسفانه فکر می‌کنند ایمان فقط به نماز خواندن و عمل کردن به چند فریضه‌ای می‌باشد که چه بسا عادت آنها شده است، چرا که این اعمال صرفاً عمل فردی است و در صورتی می‌تواند از انسان دستگیری کند که در کنارش وظایف دیگر خود را از جمله نسبت به پدر و مادر انجام دهند. سنجش و امتحان انسان در این است که اگر پدر و مادری برخلاف نظر او نظری دادند و آن دستور خلاف دستور خدا نبود، اما به میل فرزند نبود اینجا باید دید ایمان انسان چقدر قوی است. اینجا باید دید نماز او توانسته است او را در مقابل پدر و مادر متواضع کند یا نه. اینجا شیعه واقعی از غیر واقعی مشخص می‌شود. جابر گوید: امام باقر(ع) فرمودند: ای جابر! شیعیان ما به تواضع، فروتنی، خشوع و امانت معروفند. آنها همواره در یاد خدا هستند و نماز و روزه دارند و به پدر و مادر نیکی و با همسایگان فقیر و مستمند رفت‌وآمد می‌کنند.

■ هدیه به والدینی که از دنیا رفته‌اند

یکی از اعتقادات با حق شیعه این است که انسان بعد از مرگ زندگی جدیدی را شروع می‌کند و تمام اعمال و رفتار انسان در دنیا در کیفیت زندگی آخرت مؤثر است. در واقع زندگی دنیا پلی برای رسیدن به سرای دیگر است. اگر انسان اعمالش صالح باشد، زندگی او در آخرت یک زندگی صالح، طیب و آرام‌بخشی است، اما اگر خدایی ناکرده انسان از مسیر بندگی و انسانیت خارج شد، در سرای دیگر زندگی پرمشقت و سختی را باید تجربه کند. با مرگ آدمی، پرونده او بسته می‌شود، اما برای بعضی این پرونده باز می‌ماند و در زندگی آخرتش اثر می‌گذارد. از این رو می‌شود برای انسانی که از دنیا رفته خیرات و اعمال شایسته فرستاد تا زندگی او و آخرت او مورد توجه خدا قرار گیرد. پیغمبر(ص) فرمودند: گاهی که شخصی از این عالم حیات کنده، کارهای او که در این دنیا انجام می‌داده همه قطع و بریده می‌شود مگر سه چیز که بعد از فوت او از آن بهره می‌برد و عمل بپوشد و امتثال آنها می‌شود: اول، صدقه جاریه، یعنی آن کارهایی که انجام داده و آثارش باقی است و مردم از آن بهره‌مند می‌شوند. همچون مسجد و سایر بناهای خیر یا خیر قنوت و غرس درختان یا احداث جاده و مردم از آن بهره‌مند می‌شوند. ثواب در نامه عمل آن کس ثبت می‌شود. دوم، علمی که او باقی‌بماند تا وقتی هست و اهلس از آن فایده می‌برند برای او ثواب می‌نویسند. سوم، فرزند صالحی که دعای خیر برای پدر و مادر خود بخرد که والدین از صلاحیت آن فرزند و دعای خیر او مدام که وجود دارد، بهره‌مند می‌شوند. گرچه چون آنها نیستند که در دار عمل کار کنند، اما چون آنها از آثار آنهاست از آنها بهره‌مند می‌شوند.

■ پژوهشگر سبک زندگی



نکته دیگر اینکه

انتقاد نباید به

منظور تخریب

افراد دیگر صورت

بگیری، بلکه به دلیل

سازندگی و پیشرفت باید انجام شود. اگر

روش صحیح انتقاد کردن را بلد باشیم، در

جهت پیشبرد سازمان هم کمک می‌کند. به طور

مثال اگر ما بتوانیم از همکار خود انتقاد سازنده کنیم،

هم در جهت ارتقای شغلی و رفع کمبودهای او کمک

کرده و هم در پیشرفت سازمان قدم برداشته‌ایم. انتقاد

بجا و سازنده می‌تواند الگویی مناسب در خانواده قرار

گیرد. البته انتقادکردن والدین از یکدیگر نباید در

حضور فرزندان باشد، باید طوری از یکدیگر انتقاد کنیم

که باعث شرمندگی یکدیگر نشویم. انتقاد نباید واکنش

وارونه داشته باشد. اگر انتقاد بجا و سازنده نباشد و ما

روش انتقاد کردن صحیح را بلد نباشیم، به جای بهبود

روابط، شاهد لجاجت خواهیم بود. همانطور که هر اصول

و رفتاری از چارچوب و قاعده‌خاصی بیروی می‌کند،

انتقاد کردن از دیگران نیز روش و چارچوب خاص

خودش را دارد که پیش از انتقاد کردن از دیگران باید

این چارچوب را یاد گرفت و از قضاوت کردن دیگران

دست کشید.

سبک‌نگرش



قانون جذب و نگاه دین اسلام

هر جافال بد زدی آن را نادیده بگیر!

■ زهرا هنربخش

حتماً درباره قانون جذب، سمینارها و کارگاه‌های شنیده‌اید که حتی مدعی شده‌اند قانون جذب موضوعی مورد تأیید متون اسلامی است. در بسیاری از کتب و نشست‌ها این مسئله به عنوان یک رسم معنوی و عرفانی به دیگران آموزش داده می‌شود و با نام حیات معنوی و اتصال به نیروی الهی معرفی می‌شود. ■ ■ ■

در قانون جذب اعتقاد بر این است که عمل تجسم سهم مهمی را در جذب خواسته‌ها دارد؛ یعنی تجسم خواسته‌ها، نیرویی ایجاد می‌کند و این نیرو، خواسته انسان را به سوی او می‌کشاند. در نگاه ایشان این قانون همان قانون جاذبه نیوتن است، اما در سیطره افکار، قانون جاذبه نیوتن می‌گوید: کره زمین همه اجسام را به سمت خود جذب می‌کند؛ اما در قانون جذب تمام چیزهایی که ما تجسم می‌کنیم، به سوی ما جذب می‌شوند.

آنها معتقدند با تصور و تجسم، تمام دنیا یک پرورش‌در دست‌تصویرکننده است و او می‌تواند به جهان سفارش دهد که هر چیز را خواسته برایش خلق کند. بر همین اساس است که طرفداران جذب، وضعیت موجود در واقعیات افراد را ساخته و پرداخته قوه تجسم و خیال آنها می‌پندارند و بر این باورند که اگر کسی می‌خواهد رخدادهای زندگی خود را تغییر دهد باید نیروی تجسم و تصور ذهن را باور کرده و به عمل تصویرپردازی ذهنی بپردازد تا شرایط و اسباب تغییر در واقعیات این امر محقق شود. در قانون جذب بیان می‌شود شخص در سه گام به آرزوهای خود دست می‌یابد: ابتدا، خواستن؛ «به دنیا دستور بده». سپس، اعتقاد؛ «باور داشته باش که به خواسته‌ات رسیده‌ای.» در آخر، تجسم؛ «احساس کن که به خواسته‌ات رسیده‌ای.»

آنچه از این سه مرحله به دست می‌آید، این است که در قانون جذب، عملی ذهنی مورد تأکید و توصیه است نه فعل بیرونی و عمل بپوشد. خلاصه قانون جذب چنان که راندا برن گفته این عبارت است: «فکر تبدیل می‌شوند به اجسام.»

سه ادعای اصلی در قانون جذب اینها می‌باشد: ابتدا اینکه ذهن انسان می‌تواند بر پدیده‌های خارج از وجود انسان اثر بگذارد و اتفاقات خارج از وجود آدمی را به نفع خود تغییر دهد؛ به عبارت دیگر قانون جذب، ادعایی به مورد تأثیرات افکار درون خود انسان ندارد، بلکه ادعایش دربارهٔ تأثیر افکار و تجسم بر امور خارج از وجود انسان است؛ به این شکل که انسان قادر است با استفاده از قوه خلاق ذهن بر امور بیرون از جسم، دخل و تصرف کند.

ادعای دوم این است که اثرگذاری ذهن بر پدیده‌ها از نوع تأثیرات معمول و عادی نیست؛ بلکه از نوع تأثیر علت نامّه بر معلول است. از خالقیت ذهن می‌گویند و «خلق و آفرینش» را به ذهن از رتباط می‌دهند و مدعی هستند که ذهن انسان هر چه را چه مثبت چه منفی تجسم و تصور کند، به صورت یقینی و قطعی در عالم خارج به وقوع می‌پیوندد. طبق این ادعا، رابطه بین ذهن و «مور تجسم شده» را رابطه علت نامّه نسبت به معلولش می‌دانند و معتقدند همچنان که خط تولید یک کارگاه، موادخام را به محصول تبدیل می‌کند، ذهن انسان نیز می‌تواند تجسم‌های ذهنی را به واقعیت عینی و خارجی تبدیل کند و همه چیز را به

د

بر خلاق قانون جذب، دین اسلام تأکید دارد افرادی که با پریدن کلاغ به این اعتقاد می‌رسند آینده ناخوشایندی در انتظار آنهاست و سخت باور پیدا کرده‌اند که وقایع رخداد جدیدی اتفاق نخواهد افتاد؛ حتی اگر یقین به این امر داشته باشند. آنچه تا پیش از این امر داشته باشند، این است که مدعیان قانون جذب می‌گویند که اگر فردی به چنین احساس قوی برسد ذهنش با ارسال فرکانس یکسان، همه این وقایع منفی را جذب می‌کند و کائنات همین وضعیت را برایش خلق می‌کند.) چنانچه پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «هر جافال بد زدی آن را نادیده بگیر و کار خود را دنبال کن.» و در حدیثی دیگر پیامبر رحمت فرموده‌اند: «ته چیز از امت من برداشته شده است: آنچه نمی‌دانند، آنچه طاعت ندارند، آنچه بر آن مجبور شده‌اند، آنچه بدان اضطراب پیدا کرده‌اند، اشتباه، فراموشی، شگون بد، احساس حسادت (مادامی که به مرحله عمل نرسیده است، یا محسوس واقع شدن) و وسوس‌های شیطانی در امر خلت.»

به یاد داشته باشیم فرضیه جذب، در فضای اهداف مطرح است و نه اینکه به تنهایی برای دستیابی به آرزوها کافی است، بلکه یک راهبرد استراتژی محسوب می‌شود، زیرا به هدف‌گذاری می‌پردازد و به زندگی سمت و سو می‌بخشد؛ به عبارت دیگر این مفهوم به افق‌سازی و آرمان‌تراشی می‌پردازد؛ یعنی پارهای از امور را به شکل آرمان و مطلوب‌شان می‌دهد و این آرمان‌ها هم چیزی جز غیر شیرینی‌های زندگی این جهان نیست.

سمت خویش جذب کند.

ادعای سوم این است که نیروی خداگونه ذهن، نه از جهان بینی انسان‌ها اثر می‌پذیرد و نه از عمل آنها، به عبارت دیگر نه تقوا و پرهیزگاری افراد و نه نظام باورها و اعتقادات آنها، تأثیر مثبت یا منفی بر قدرت ذهن ندارد. طبق ادعای سوم، نه اندیشه و فکر، بلکه «همراه داشتن تصویر» و تجسم عکس مطلوب در ذهن، باعث جذب خواسته‌ها و آرزوهای می‌شود.

■ حالا ببینیم نظر دین در این باره چیست

در متون اسلامی، دو مفهوم فال و طیره معانی نزدیک به قانون جذب دارند. فال به کلمه نسیک و میمون می‌گویند و طیره، به شگون بد و نحس گفته می‌شود. در فال اعتقاد بر این است که فال در سرنوشت خوب مؤثر است و در طیره بسر این باورند که پیش‌بینی امر منفی آینده را تغییر می‌دهد و سبب ایجاد امور نامیوم و نحس می‌شود. اهل طیره برای نفوس بد زدن اثری غیر قابل‌تغییر معتقد بودند به طوری که درباره نفوس می‌گفتند: النفوس کالنعوص.

اگر کسی قانون جذب را با زبان دین بررسی کند باید بگوید که قانون جذب یعنی اعتقاد به تأثیر دو مفهوم فال و طیره. در قانون جذب ادعا می‌شود آنچه را تجسم و تصور می‌کنی مهم‌هست که امری نیک یا ناخوشایند است، مهم آن است که دقیقاً همان را به سمت خود جذب می‌کنی؛ یعنی اگر معتقدی که در خیابان با وقایع ناخوشایند و ناگوار مواجه می‌شوی، دقیقاً همان اتفاق می‌افتد(طیره). اگر هم باور داری که اتفاقات خوشایند و دل‌چسب در انتظار توست، همان گونه پیش می‌آید.(فال)

اگر چه در ابتدا به نظر می‌رسد بیسان دین و قانون جذب یکسان است، اما در حقیقت نظر دین درباره این دو مقوله با نظریه هوداران قانون جذب بسیار فاصله دارد. در متون دینی نه تنها به اثر بخشی تفسیر اذعان نشده، بلکه تفسیر را خرافات و باوری غیرعقلانته معرفی و حتی تفسیر را شرک معرفی کرده است. در دین، انسان‌ها را به اجتناب و دوری از آنها فرا خوانده است، اما اثر بخشی آنها را پذیرفته و آنها را پر خوردار از واقعیت معرفی کرده است. به عبارت دیگر براساس متون دینی، به‌ارای از اسباب و علل غیرعادی، اگر چه جزو خرافات و امور موهوم معرفی نشده‌اند، اما استفاده از این اسباب ممنوع اعلام شده و به کار بستن آنها تحریم شده است. برای مثال سحر و جادو و ابررسی کنیم، با توجه به بیان آیات و روایات ضمن اینکه این موضوع واقعیت دارد، استفاده از این ابزار مجاز حساب نشده است. افسونگری، در عالم خارج، دارای واقعیت خارجی و نفس‌الامری شمرده شده، اما ورود به این میدان، دوری از تعالی معنوی تلقی شده و معصیت و گناه است. طیره براساس روایات و آیات قرآنی از این جهت که اساساً، بهره‌ای از واقعیت ندارد و خرافاتی و دروغ است، نهی شده است. دین تأکید دارد افرادی که با پریدن کلاغ به این اعتقاد می‌رسند آینده ناخوشایندی در انتظار آنهاست و سخت باور پیدا کرده‌اند که وقایع رخداد جدیدی اتفاق افتادن است، اطمینان داشته باشند هیچ رخداد جدیدی اتفاق نخواهد افتاد؛ حتی اگر یقین به این امر داشته باشند. (توجه شود که مدعیان قانون جذب می‌گویند که اگر فردی به چنین احساس قوی برسد ذهنش با ارسال فرکانس یکسان، همه این وقایع منفی را جذب می‌کند و کائنات همین وضعیت را برایش خلق می‌کند.) چنانچه پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «هر جافال بد زدی آن را نادیده بگیر و کار خود را دنبال کن.» و در حدیثی دیگر پیامبر رحمت فرموده‌اند: «ته چیز از امت من برداشته شده است: آنچه نمی‌دانند، آنچه